

مقاله پژوهشی

ساختار و مبانی شکل‌گیری «منظر بین‌فرهنگی» در بستر ایران و عمان*

پویا پروین

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

رضا سامه*

استادیار معماری، عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مهدی زندیه

دانشیار معماری منظر، عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده | گسترش ارتباطات در جهان امروز، منجر به افزایش روابط میان بسترهای فرهنگی مختلف در زمینه‌های گوناگون شده است و ظهور مفاهیمی چون دهکده جهانی، جهانی شدن و فرهنگ‌زایی از نتایج آن می‌باشد. چالشی که اکنون جهان به خود می‌بیند، نحوه ارتباط فرهنگ‌ها در ساختارهای ارزشی متفاوت با یکدیگر است. معماری به‌عنوان یکی از عواملی که بیشترین اثرپذیری از فرهنگ را دارد، متأثر از این گسترش ارتباطات بوده و نیازمند پاسخی مناسب در راستای تحقق مبانی مرادفات فرهنگی است. بسیاری از پژوهشگران حوزه معماری و معماری منظر به بررسی اثرگذاری فرهنگ بر معماری پرداخته‌اند و اصولی را برای این موضوع ارائه کرده‌اند. اکنون وجود ارتباط فراوان میان بسترهای فرهنگی مختلف در جهان، این مسئله را طرح می‌کند: آن محیطی که تحت تأثیر دو یا چند واحد فرهنگی مختلف شکل بگیرد، از چه مبانی پیروی می‌کند؟ در این راستا، ابتدا پژوهش‌های پیشین در خصوص تأثیر منظر از فرهنگ بررسی شده و بحث با محوریت ویژگی‌های فرهنگی دو کشور ایران و عمان مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. روش پژوهش نیز شامل تحلیل تطبیقی نظریات موجود در شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی و معماری متأثر از فرهنگ و متناسب‌سازی مفاهیم و نظریه‌ها با واقعیت‌های میدانی است. در نتیجه با ارائه‌ی شناسه‌های مشترک منظرین تأثیرپذیرفته از فرهنگ هر دو سرزمین، چنین بیان شده است که معماری و منظر ایران و عمان دارای هویت بسیار نزدیک بوده و بنابراین شکل‌گیری چارچوب‌های منظر بین‌فرهنگی میان این دو بستر امکان‌پذیر خواهد بود. در آخر جهت تحقق هدف، به بهره‌مندی از ارزش‌های فرهنگی مشترک، استفاده از سازوکارهای شکل‌دهنده معماری و منظر تأثیر پذیرفته از فرهنگ همسو، به‌کارگیری مصالح مشابه و بوم‌آورد هر دو سرزمین، رجوع به نمادها و الگوهای مشترک دو فرهنگ با تکیه بر زیرساخت‌های اعتقادی و مذهبی واحد و پرهیز از تأکید بر ساختارهای ضد ارزش، توصیه شده است.

واژگان کلیدی | منظر، فرهنگ، منظر بین‌فرهنگی، ایران، عمان.

هویت‌های متنوع فرهنگی در جوامع جهانی، عموماً تأثیر خاصی بر معماری داشته‌اند که شامل اعتقادات، آداب و رسوم، مهارت، خلاقیت و بسیاری دیگر از شناسه‌های اقوام و ساختارهای فرهنگی مختلف است (Bourdieu, 1998). امروزه پدیده‌ای که با عنوان «معماری بین‌فرهنگی» شناخته

مقدمه | آثار معماری با تأثیرپذیری از فرهنگ، تغییراتی در ساختارهای کلی پذیرفته‌اند که در یک چشم‌انداز اولیه قابل مشاهده است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۱۸۲۸۹۰۴@rc.ikiu.ac.ir

یاد شده. در این فرایند سؤالاتی بدین گونه طرح می‌شوند که مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی شامل چه مواردی هستند؟ شناسه‌های دو بستر فرهنگی که معماری و منظر بین‌فرهنگی را تشکیل می‌دهند چه تأثیری بر ساختار کالبدی داشته و علی‌رغم تفاوت‌های بسیار، ارتباط فرهنگ‌ها چگونه به مشابهنه در برون‌داد معماری منجر می‌شود؟

روش تحقیق

روند اصلی پژوهش در گام نخست، بررسی نظریات و رویکردهای موجود در بحث شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی و ارائه ساختاری بر اساس تبدیل ارزش‌های فرهنگی به الگوهای منظرین است. سپس با استخراج ویژگی‌های مختلف و عوامل حائز اهمیت، در یک مطالعه تطبیقی به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر ساختار منظر آن دو پرداخته و شاخص‌هایی از این مطالعات معرفی می‌کند که شکل‌دهنده مبانی نظری منظر بین‌فرهنگی میان دو بستر ایران و عمان هستند. برای ارائه شاخصه‌های معماری و منظر و تأثیرپذیری آن از فرهنگ و تاریخ دو کشور، دو روش ممکن است مورد استفاده قرار گیرد: روش نخست، روش کتابخانه‌ای است که با مراجعه به منابع و کتاب‌های موجود درباره تاریخ و میراث معماری، به بررسی الگوها و شاخصه‌هایی برای معماری هر دو زمینه دست خواهیم یافت. روش دیگر، روش میدانی است که با حضور در مناطق مختلف، می‌توان آثار تاریخی و معاصر را مورد تحلیل و بررسی قرار داد تا از میان شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به اثرگذاری واقعی فرهنگ بر محیط پی برد. در این مقاله از هر دو روش استفاده شده است؛ هر چند تحقیقات اولیه نشان می‌دهد مقایسه معماری و منظر دو کشور به صورت مشخص در قالب منابع علمی تدوین نشده و به نوعی مؤلفه‌های مشترک آنها از گذشته تاکنون کدگذاری نشده‌اند، اما با مطالعه اسناد می‌توان شناسه‌هایی برای هر یک کشف نمود. در ادامه، مطالعه بسترهای فرهنگی به صورت میدانی کمک می‌کند تا بتوان مؤلفه‌های مورد نظر را از آن بسترها استخراج کرد و از سردرگمی در اطلاعات نظری صرف درباره مباحث فرهنگی فاصله گرفت.

جهان-بومی‌سازی^۳ چالشی مؤثر بر پیدایش مفهوم «منظر بین‌فرهنگی»

فرهنگ، موضوعی پیچیده شامل دانش، هنر، فناوری، باورها و آداب و رسوم مردم یک جامعه است. اما برای ورود به قلمرو آن، این موارد می‌بایست در یک ساختار ملموس به نمایش گذاشته شوند (Park, Burgess & McKenzie, 1925, 75). مهم‌ترین مظاهر فرهنگی، مجموعه‌ای از پدیده‌های قابل لمس نظیر آثار هنری هستند. بنابراین فرهنگ به یک معرف مادی نیازمند است که در این میان معماری نقش بسزایی

می‌شود، نه تنها دارای مفاهیم ارزشمند برای جوامع است، بلکه می‌تواند به عنوان زمینه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و حتی سیاسی یک ساختگاه فرهنگی در بسترهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد و به هر دو فرهنگ سود برساند. از سویی مشاهده پدیده‌های مرتبط با فرهنگ، حکایت از دگرگونی رویکردها به معماری در جهان معاصر دارد. مطالعات ضرورت و اهمیت فراوان شکل‌گیری زمینه مرادفات فرهنگی، همچون ایجاد کانون‌های فرهنگی در برخی نقاط را نشان می‌دهد. این مراکز شامل اجزایی از هویت یک بستر هستند که به تبادل واحدهای فرهنگی و مشخصه‌های ویژه آن فرهنگ می‌پردازند (Park, Burgess & McKenzie, 1925). از سوی دیگر تافلر^۱ چالش‌های پیش روی معماری و فرهنگ را «انفجار فرهنگی» می‌نامد که حاصل برآیند چالش میان نیاز افراد در جوامع چندفرهنگی^۲ و ابهام در شاخص‌های معرف فرهنگ است. هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به فهم مناسب رویکرد بین‌فرهنگی در معماری است تا به پشتوانه آن، بتوان به مبانی مشخص برای شکل‌گیری معماری و منظر بین‌فرهنگی مجزا دست یافت. بدیهی است معماری همواره تحت تأثیر فرهنگ بوده و از آن تأثیر پذیرفته است. از این رو چنین فرض می‌شود که رابطه بین دو بستر فرهنگی در کالبد معماری، ساختار مشابهی با رابطه صرف میان دو فرهنگ در دیگر زمینه‌ها با یکدیگر داشته باشد. بنابراین برهم‌کنش میان‌فرهنگی که در سطوح مختلف مانند روابط خارجی صورت می‌پذیرد، در فضای محیط نیز پدید می‌آید؛ با این تفاوت که فرایند آن، منجر به شکل‌گیری کالبد معماری و فضاهای منظرین می‌شود. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی میان دو بستر با نشانه‌های مشترک و ارزش‌های مشابه، ساختاری میانگین از شاخصه‌های ارزشمند هر دو بستر باشد که در عین یگانگی، مؤلفه‌های هر بستر در آن کالبد قابل شناسایی و تمایز است.

بیان مسئله

مسئله اصلی پژوهش حاضر، چگونگی ارائه ساختاری جامع برای شکل‌گیری مناظر بین‌فرهنگی و مناظر تأثیر پذیرفته از چند بستر فرهنگی مختلف است که قابل تعمیم به سایر کالبدهای فرهنگی نیز باشد. به این بهانه مقاله با مروری بر مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر معماری و منظر بومی دو کشور ایران و عمان، با تکیه بر پیشینه مشترک، سعی در تدوین چارچوبی برای منظر بین‌فرهنگی میان این دو بستر جغرافیایی دارد. بنابراین پژوهش بر دو پایه استوار است: ابتدا بررسی و تحلیل نظریات پیرامون موضوع منظر بین‌فرهنگی و پدیده‌هایی که بر اساس فرهنگ‌های مشترک شکل می‌گیرند و پس از آن احراز ویژگی‌ها و هویت منظر فرهنگی دو کشور

مردم هماهنگ نباشد، از طرف کاربران خود طرد می‌شود (Bonenberg, 2011, 112-113)، به همین دلیل امروزه رویکرد جهانی‌شدن تا حد زیادی منسوخ شده است. اکنون رسانه‌ها سعی در ارائه فرهنگ با هویت بومی و شکلی بین‌المللی برای هر جامعه دارند که این کار جهانی-بومی‌سازی نامگذاری شده است و آن را همسو کردن رویکردهای جهانی با شرایط بومی می‌دانند (Robertson, 1994, 41). این موضوع یکی از رویکردهای جذاب برای با ایجاد تعادل بین جهانی‌سازی و بومی‌گرایی و موجب تقویت پیوند مردم با ارزش‌های جهانی و فرافرهنگی است. در این میان، معماری منظر که بسیاری از ویژگی‌های یک واحد فرهنگی را در خود بازتاب می‌دهد، می‌تواند هویتی خاص و انحصاری به یک محیط ببخشد و باعث ایجاد جذابیت بصری در الگوهای همسو با فرهنگ و تفکیک از شاخص‌های سایر الگوهای فرهنگی شود. از یکسو پیدایش مفهوم «منظر فرهنگی» که عمدتاً بر پایه تلقیات ویژه از آن در میراث فرهنگی است (عشرتی و حناچی، ۱۳۹۴) و از سوی دیگر تمرکز این تعبیر تنها بر یک موقعیت فرهنگی خاص، ضرورت پیدایش رویکردهای فرافرهنگی در معماری منظر را دوچندان می‌سازد. در واقع منظر بین‌فرهنگی به دنبال برجسته‌نمودن اشتراکات در میان دو منظر فرهنگی است که ضمن تقویت روابط فرهنگی، جوهره توجه به عنصر فرهنگ را در مناسبات امروزی مورد تأکید قرار می‌دهد تا از این راه چالش‌های برخاسته از جهان‌بومی‌سازی تعدیل کند. در این راستا، عواملی که علی‌رغم چالش‌ها، منجر به موفقیت می‌شوند عبارتند از:

- وجوه تشابه علی‌رغم منحصربفرد بودن: مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در یک محیط که با وجود اختلافات متمایزکننده، همچنان مشابهت‌هایی در آن دیده می‌شود (سنت‌هایی چون نوع معیشت و فعالیت نظیر دریاوردی و تجارت دریایی، ماهیگیری و نوع صنایع دستی، نوع کشاورزی و نظام آبیاری و ...)

- انس فطری و فراگیر: انس فطری مردم با مجموعه‌ای از پدیده‌ها (مانند عناصر طبیعی چون دریا) به صورت عمومی براساس ویژگی‌هایی که موجب ترجیح آنها نسبت به سایر نمونه‌های موجود در چندین بستر فرهنگی می‌شود؛

- ذائقه فرهنگی مشترک: مجموعه ویژگی‌هایی که سلیقه مشترک کاربران دو یا چند واحد فرهنگی را (برای مثال در نوع لباس، غذا و ...) نمایش می‌دهد و ریشه در ساختارهای ذوقی آن جوامع دارد؛

- نمادهای بومی و منطقه‌ای: مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های واحد در معماری بومی که بیانگر اشتراکات در نوع پاسخ به مسائل اقلیمی و جغرافیایی واحد آن جوامع فرهنگی است (مانند عناصری چون بادگیر و ...)

- مظاهر فرهنگی: آثاری که بیانگر سنت، فرهنگ، تاریخ و

ایفا می‌کند؛ زیرا معماری برگرفته از باورها و اندیشه‌های معنوی یک جامعه برگرفته از ایده‌های خلاقانه وابسته به یک دوره تاریخی و ساختار فکری است. از این راه شناخت ساختار فرهنگ، به شناخت اندیشه‌های پشتیبان معماری کمک می‌کند (Memmott & Keys, 2015). همچنین تحلیل فضای مادی برگرفته از ارزش‌های فرهنگی در محیط‌های زندگی، موضوعی برگرفته از مباحث بسیاری از جامعه‌شناسان شهری است که به ارتباط بین سیستم فضایی و ساختار فرهنگی پرداخته‌اند و از آن جمله می‌توان به آثار ویرث (Wirth, 1938)، زیمل (Simmel, 1955)، وبر (Weber, 1962)، دورکهایم (Durkheim, 1964)، هاروی (Harvey, 1973) و کستلز (Castells, 1977) اشاره نمود. ریشه اندیشه‌های اغلب ایشان از آموزه‌های مکتب شیکاگو نشأت گرفته است که به فرموله کردن جامعه‌شناسی و تئوری فرهنگ توسعه شهری شهرت دارد. براساس این تئوری، رفتار مکان‌محور انسان‌ها و توجه به محیط در طراحی براساس ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و هر فضای انسانی، برگرفته از باورهای فرهنگی اوست. البته امروز بررسی هماهنگی ساختار فرهنگی جوامع مختلف با فرهنگ متفاوت در یک بستر فرهنگی دیگر، به یک چالش اساسی میان نظریه‌پردازان تبدیل شده است (Baronet & Muller, 1974). در دوره جهانی‌شدن و انفجار اطلاعات، بیشتر گروه‌های اجتماعی فارغ از اینکه در چه موقعیتی زندگی می‌کنند، نگاه مشابهی به فرهنگ دارند. این واقعیت با محوشدن مرزهای جغرافیایی در مرزهای فرهنگی همراه بوده که به یکسان‌سازی ساختارهای فرهنگی علی‌رغم تفاوت‌های اجتماعی و در نهایت به تغییر نگرش افراد در بسترهای فرهنگی متفاوت می‌انجامد. بنابراین در این عصر، برهم‌کنش‌های فرهنگی در تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها همچون تجارت اجتناب‌ناپذیر است. جهانی‌شدن که در جهت برداشتن مرزهای فرهنگی گام برمی‌دارد، تحت حمایت رسانه‌های اجتماعی با رویکرد یکپارچگی شکل گرفته و با نمایش اشتراکات فرهنگی سعی در ارائه الگویی دارد تا تمام مردم فارغ از تفاوت‌های فرهنگی، بتوانند احساس حضور در تمام عرصه‌های جهانی داشته باشند. البته فرایند فرهنگ‌پذیری احساسی است از تعارض بین پذیرش فرهنگ در بستر جدید و بازخورد آن که سه حالت دارد: جذب، ادغام و بازپس. اما کشمکش ناشی از توسعه غیرمصالحه‌آمیز فرهنگ در دیگر جوامع، اغلب منجر به واکنش دفاعی مردم با فرهنگ متفاوت شده و علاوه بر عدم گسترش و پذیرش فرهنگ جدید، رویکردهای منفی با فرهنگ مخالف در حال افزایش است. بسیاری از جوامع اقدام به مخالفت با فرهنگ جهانی کرده‌اند. لذا انطباق با بستر فرهنگی بسیار اهمیت می‌یابد تا جایی که چنانچه اثر معماری با ساختارهای فرهنگی

دوم میلادی سالانه ۳ هزار تن کندر از طریق دریا به یونان، رم و سایر شهرهای مدیترانه حمل می‌شد که بیانگر اهمیت عمان به‌عنوان مفصل تجاری در دوران کهن امپراتوری ایران است. این ساختار تجاری امروزه نیز با جایگزینی نفت عملکرد خود را حفظ کرده است (Payne, 2015, 35-36). بنابراین شواهد فراوانی وجود دارد که اثبات‌کننده پیشینه روابط تاریخی ایران و عمان از دوره‌های تاریخی بسیار دور است که در زمینه‌های گوناگونی از جمله سکونت و مبادلات قابل بررسی هستند. براساس نظر درک کنت که درباره توسعه در بخش شرقی کشورهای عربی پیش از اسلام تحقیق کرده است، دوره ساسانی یکی از دوره‌های تأثیرگذار در تاریخ اقتصادی کشورهای عربی است. مایکل مورونی^{۱۰} آثاری متعلق به تمدن ایرانی را کشف نموده که شواهدی از توسعه سبک کشاورزی مشابه استان فارس در آنها قابل رؤیت است (ibid., 27-28). همچنین شواهدی از نفوذ ساسانیان در مناطقی که امروزه در دست کشورهای عربی است؛ مانند ساختار شهری منطقه الخط که به دوره اردشیر نسبت داده می‌شود، وجود دارد (Potts, 1990, 232-234). از دیگر شواهد روابط بین ایران و عمان در دوره ساسانی براساس نظریه ویلکنسون^{۱۱}، پیدایش قنات و استفاده از آب‌های زیرزمینی در عمان در قرن ششم میلادی است. وی معتقد است بسیاری از واحه‌ها و فضاهای آباد در عمان نمی‌توانستند بدون وجود قنات وجود داشته باشند، بنابراین گستردگی قنات در عمان باید پیش از قرن هفتم میلادی آغاز می‌شده است. از مهم‌ترین عوامل دیگر، روابط اقتصادی از سمت بندر بتینه^{۱۲} در عمان و خط بازرگانی اقیانوس هند است. ویلکنسون دوره شکوفایی روابط اقتصادی را به دوره انوشیروان نسبت داده که به سیاست‌های توسعه‌طلبانه مشهور است. همچنین بنا بر شواهد عموماً حاکمان ایرانی کنترل مناطق ساحلی را بر عهده داشتند و حاکمان عرب بر صحراها و کوه‌ها حکومت می‌کردند (Wilkinson, 1972, 41-44 & 24-25) و البته شکل‌گیری قنات نیازمند یک دولت مرکزی قدرتمند



تصویر ۱. دولت ساسانیان (۲۲۴ تا ۶۵۱ بعد از میلاد) - نقشه مربوط به دوره شاپور اول. مأخذ: Britannica, 2023

خاطرات ارزش‌های هویتی جوامع در عناصر معماری آنها قابل شناسایی هستند (مانند گویش محلی، داستان‌های مشترک، آداب و رسوم واحد و ...).

لذا شکل‌گیری منظر براساس رویکرد بین‌فرهنگی از طریق مداخله در عناصر زیر صورت می‌گیرد:

بستر فرهنگی جامعه، تاریخ، سنت، سبک زندگی، فناوری؛ نوع واکنش نسبت به عناصر طبیعی چون آب، آتش، زمین، هوا و ...؛ نحوه استفاده از عناصر معماری نظیر دیوار، کف، سقف و ...؛ مفاهیم طراحی و ساختارهای فضایی؛ عناصر شکل‌دهنده مانند راه‌ها، لبه‌ها، محورها، نقاط شاخص؛ عناصر روایی در قالب تزئینات، نمادها، عناصر نمایشی الگوهای فرهنگی و ... با تأکید بر عوامل و عناصر فوق، منظر بین‌فرهنگی را می‌توان پدیده‌ای در نظر گرفت حاصل یک فرهنگ که خود نتیجه ترکیب دو یا چند فرهنگ مختلف است و این امر براساس سه مؤلفه صورت می‌گیرد: اشتراک ارزش‌ها، افتراق و تضاد آنها.

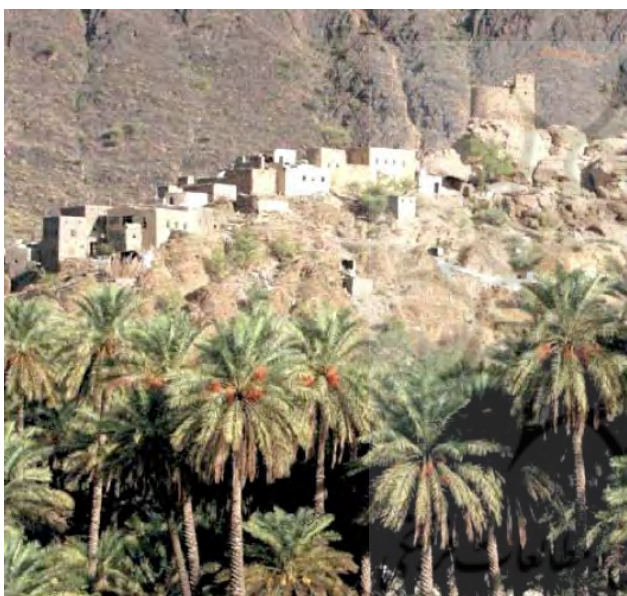
پیشینه روابط مشترک ایران و عمان، زمینه‌ساز شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی

ارتباط عمان با ایران قدمتی بسیار دارد و بخش‌های گسترده‌تری از این سرزمین از زمان هخامنشیان تا ساسانیان و پس از اسلام همواره در قلمرو امپراتوری ایران بوده است. پیوستگی‌های سیاسی و تجاری این دو کشور در دوران اسلامی فراز و نشیب‌هایی داشت و در دوره ورود استعمار به منطقه خلیج فارس، به جدایی تدریجی از قلمرو حاکمیت ایران منجر شد. بنابراین، روابط ایران و عمان تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، ژئوپولیتیک و تمدنی خاص خود و متمایز از روابط ایران با دیگر کشورهای عربی منطقه بوده است (Al-Salimi, Gaube & Korn, 2013). به نظر برخی باستان‌شناسان، سابقه تمدنی کشور عمان به پنج هزار سال قبل باز می‌گردد. ساکنان اولیه آن، هامی‌ها یا نژاد سیاه‌پوست آفریقایی بودند که پس از درگیری با قبایل سامی^۴ رو به افول و نابودی رفتند. بنا بر شواهد موجود، نام باستانی عمان در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، ماگان^۵ یا مازون^۶ بوده است که پادشاهان مقتدری همچون حمیریان بر آن منطقه حکومت می‌کردند. پایتخت آنان شهر ربدان^۷ بود که نام قدیمی ظفار^۸ است و در کتیبه‌های آشوری و عیلامی به سرزمین ماجان و رونق کشتی‌سازی در آن شهر اشاره شده است. در دوره‌های تاریخی عمان، تأکید بر دادوستد و بازرگانی، محور ارتباطات آن با دیگر مناطق اطراف بوده است. کلمه «ماجان»^۹ در زبان بومی به معنای معادن مس بوده که تولید و تجارت پر رونقی در منطقه داشته است. همچنین کلمه مزون یا مازون به معنی آب جاری است (تصویر ۱).

در تاریخ بازرگانی عمان، کندر به‌عنوان کالایی با ارزش‌تر از طلا، پرسودترین صادرات این سرزمین به شمار می‌آید. در قرن



تصویر ۲. بافت روستای نای‌بند در ایران. مأخذ: Rainer, 1977



تصویر ۳. منطقه روستایی برکه الموز ۱۴ در عمان. مأخذ: Buerkert & Schlecht, 2010

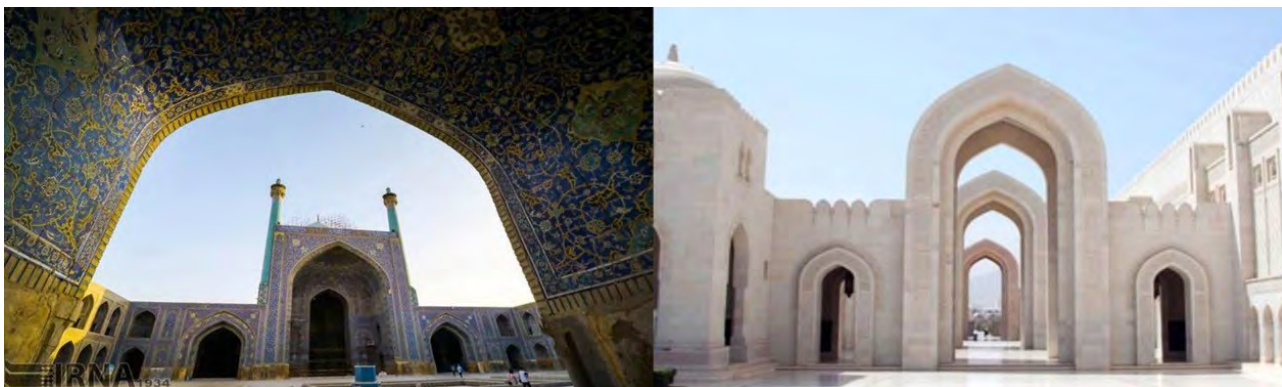
و عمان مشاهده می‌شود (تصویر ۴). مصالح ساختمانی نیز یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده معماری است. مصالح طبیعی معمولاً از شرایط محیطی بستر زاده می‌شوند؛ بنابراین در شکل‌گیری منظر بین‌فرهنگی، بسترهایی که دارای محیط مشابه هستند، می‌توانند با اتکا به اشتراکات در استفاده از مصالح، ساختار و فرم‌هایی مورد پذیرش هر دو فرهنگ ارائه کنند. ماده اصلی که این نقش را در گذشته مشابه معماری ایران و عمان ایفا می‌کند، «خشت» است. معماری گرم و خشک و گرم و مرطوب در کشور عمان و بخش‌های جنوبی کشور ایران باعث شده است استفاده از خشت در کنار برخی مصالح دیگر مانند «چوب» رواج فراوانی داشته باشد و این امر موجب تشابه

بوده که براساس نظریات البکری^{۱۳} دارای دین رسمی زرتشتی بوده است. در آن زمان حاکم کشور عمان، ابوالفرج نام داشته و اولین کسی بوده که آب را از کوه به شهر آورده است (Al-Salimi, Gaube & Korn, 2013, 65-67). نظام آبیاری مورد استفاده در عمان به نام فلاج (یا افلاج) شناخته می‌شد که تغییر یافته نام الفرج در طول تاریخ است. این سیستم آبیاری که مربوط به ۵۰۰ سال پس از میلاد مسیح است و در مناطقی همچون دخلیه، شرقیه و بتینه در عمان می‌توان آن را یافت، تحت عنوان کاریز در ایران دارای قدمتی ۵۰۰۰ ساله است. همچنین فلاج در عمان با مصالح ساروج ساخته می‌شد (ibid., 71-73) که اصالت این مصالح به ایران باز می‌گردد و این موضوع فرضیه اثرگذاری ساسانیان بر امور زیربنایی عمان را بیش از پیش قوت می‌بخشد.

تحلیل و ارزیابی

بسیاری از شواهد نشان می‌دهند معماری ایران و عمان از لحاظ مؤلفه‌های مختلفی چون ویژگی کالبدی، مصالح و حتی مبانی با یکدیگر تشابهات فراوان دارند. با بررسی آثار تاریخی و معاصر عمان در شهرهای مختلف مانند مسقط، نزوا و مطرح در قیاس با برخی مناطق با اقلیم مشابه در ایران همچون بوشهر و کرمان، این فرصت فراهم می‌گردد تا به ارتباط میان معماری و فرهنگ و تاریخ این دو کشور دست یافت. تحلیل اجزای معماری این واقعیت را نمایان می‌سازد که منظر بین‌فرهنگی آنها عموماً براساس ارزش‌های یکسان شکل گرفته‌اند. این شباهت‌ها بسیار نزدیک به یکدیگر هستند؛ بدین ترتیب که گاهی هر یک از عوامل خود می‌تواند بر عامل دیگر نیز اثرگذار باشد. برای مثال همپوشانی تاریخی ایران و عمان در دوره‌های مختلف می‌تواند بیانگر این باشد که چرا تا حد زیادی شاکله یکسان بر معماری آنها حاکم است. برخی ابنیه نظیر قلعه‌ها، مساجد و خانه‌ها (چه قدیمی و چه جدید) الگوهای مشابهی در ساخت دارند و باور به دین اسلام به‌عنوان مبنای اعتقادی مشترک در پیدایش اشتراکات سبک زندگی جوامع بی‌اثر نیست. همچنین شرایط جغرافیایی و اقلیمی در برخی مناطق مشابه، بیانگر این است که مردم برای پاسخگویی به ضرورت‌های محیط طبیعی، ساختمان‌هایی را ایجاد کرده‌اند که از لحاظ ساختاری شباهت فراوانی به هم دارند. این موضوع در مناطق روستایی کاملاً عیان است (تصاویر ۲ و ۳).

در یک بررسی اولیه، سادگی و تقارن یکی از شاخص‌های اصلی مشترک در معماری ایران و عمان است که در عناصر مختلفی قابل رؤیت است. یکی از این عناصر ایوان است. ایوان اولین بار در سبک معماری پارتی مورد استفاده قرار گرفت و پس از مساجد شبستانی، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی معماری اسلامی، وارد ساختار مساجد شد. این ساختار به وفور در معماری ایران



تصویر ۴. راست: مسجد سلطان قابوس عمان و چپ: ایوان منتهی به ایوان در مسجد امام اصفهان. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

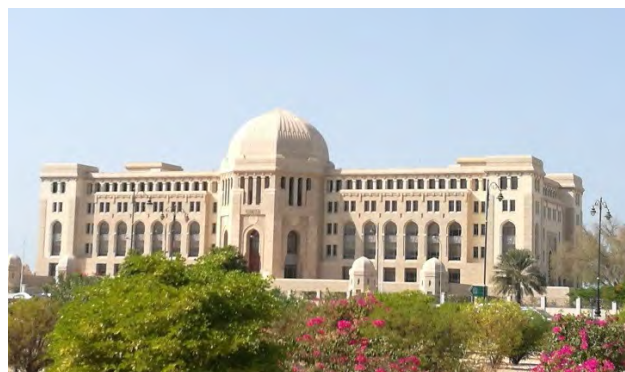


تصویر ۵. تشابه سازه‌های خشتی در ایران و عمان؛ بالا: قلعه بهلاء. مأخذ: آرشیو نگارندگان و پایین: ارگ بم. مأخذ: www.caio.ir

بسیار در سیما و منظر هر دو کشور شده است و افراد هر دو فرهنگ در مواجهه با ساختمان‌های خشتی، احساس نزدیکی به هم دارند. از این نمونه‌ها می‌توان به ساختمان‌های دفاعی خشتی چون ارگ بم در ایران و قلعه‌های نزوا و بهلاء^{۱۵} در عمان اشاره کرد (تصویر ۵). از سویی در معماری معاصر عمان نیز می‌توان الگوهایی مشاهده کرد که با ارجاع به تاریخ و فرهنگ همگام با به‌روزرسانی ساختارهای اصیل هستند. برای مثال در بسیاری از آثار معاصر کشور عمان، اصولی چون محوریت، تقارن و تأکید بر امتدادهای مستقیم و عناصری چون گنبد مشاهده می‌شود که نه تنها در فرم سه‌بعدی ساختمان‌ها نمایان است، بلکه در نمای ساختمان‌های شهری و استانداردهای شهرسازی نیز رعایت می‌شود. ساختمان دادگاه عالی عمان (تصویر ۶) یکی از ساختمان‌های مهم و دولتی است که این ویژگی‌ها کاملاً در آن قابل رؤیت هستند. تصویر ۷ نیز یکی از ورودی‌های فرعی بازار در شهر مطرح را نشان می‌دهد. این سبک از معماری الهام گرفته از معماری سنتی کشور عمان است که مشابه آن در ایران نیز یافت می‌شود. بسیاری از عوامل دیگر مانند حضور نمادین آب و الگوی بازشوها مؤلفه‌های هستند که در معماری هر دو سرزمین دیده می‌شوند و می‌توان در مشابهت‌ها از آنها یاد کرد.



تصویر ۷. ورودی فرعی بازار مطرح-عمان. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۶. ساختمان دادگاه عالی عمان در مسقط. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

نتیجه‌گیری

بر اساس شواهد موجود، تاریخ و فرهنگ، بناهای تاریخی، دین و مذهب، سبک زندگی، بستر و جغرافیا، اقلیم و شرایط جوی و آثار باستانی دو کشور ایران و عمان، موارد اصلی در زمینه‌یابی اشتراکات تاریخی و فرهنگی هستند که نوع ارتباط آنها، شاکله منظر بین‌فرهنگی این دو بستر را تشکیل می‌دهد. لذا عوامل مختلفی اثبات این فرضیه را ممکن می‌سازند که معماری و منظر دو کشور ایران و عمان دارای هویت بسیار نزدیک بوده و بنابراین شکل‌گیری چارچوب‌های منظر بین‌فرهنگی میان این دو بستر امکان‌پذیر خواهد بود. تأثیرپذیری معماری هر کشور از تاریخ و فرهنگ خود، موضوعی است که از جنبه‌های مختلف می‌توان آن را بررسی کرد. شناخت دقیق، هویت معماری و اثرپذیری آن از فرهنگ کمک می‌کند الگوها و ساختارهای مشخصی از معماری یک بستر فرهنگی به دست آوریم تا بتوان از طریق آن چارچوب مشخص برای یک ساختار تطبیقی با کشور دیگر ارائه داده و کالبد معماری تأثیر پذیرفته از دو بسته فرهنگی را تفسیر کرد. به‌طور کلی می‌توان مؤلفه‌های منظرین ایران و عمان را به تفکیک در جدول ۱ به‌صورت خلاصه بیان کرد. در مقایسه مؤلفه‌های یاد

جدول ۱. مقایسه مؤلفه‌های منظر ایران و عمان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های منظر عمان	مؤلفه‌های منظر ایران
<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری فضاهای منظرین با محوریت مناسب‌سازی اقلیمی - متقارن‌سازی و تأکید بر محورهای راست‌گوشه - فرم مستطیلی در ایجاد معماری و منظر در طول تاریخ - تأکید بر محورهای دید بدون انقطاع - استفاده از سایبان به شکل‌های مختلف در مسیرهای تردد - حضور آب با وجود رطوبت زیاد در محیط = نگاه نمادین به عناصر طبیعی - اهمیت بالای فضاهای سبز در ساختارهای شهری و محلی - ساختار بندی فضاها به کمک محورهای با آب کم عمق - استفاده از چوب و مصالح خشتی در معماری کهن و استفاده از مصالح بافت همگون در معماری معاصر - رنگ‌های روشن و سفید - ارتفاع کم اینه با رعایت پس‌زمینه کوه 	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به محور تقارن و متوازن‌سازی فرمی ساختار - هندسه مستطیلی باغ ایرانی با تأکید بر زیبایی‌شناسی حماسی و اشرافی آن - واجد نوعی کمال و قدرت - نگاه نمادی به برخی عناصر مانند آب و گیاه - توجه به نظام حواس انسان در استفاده از عناصر گوناگون - توجه به نور خورشید و اهمیت کار با سایه - انتقال آب از یک نقطه به نقطه دیگر - توجه به شفا بخشی و تأثیرات معنوی باغ - محوریت تعامل با طبیعت در حین حرکت و قرارگیری در راه - نگاه جزئی به کاربر و گزیده‌گرایی در چشم‌انداز ناظر - باغ با مفهوم پردیس و بهشت - ایجاد خرد اقلیم به علت شرایط سخت آب و هوایی - اهمیت قاب (کادر) در انتخاب تصاویر در باغ



تصویر ۸. شناسه‌های مشترک منظرین تأثیرپذیرفته از فرهنگ ایران و عمان. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

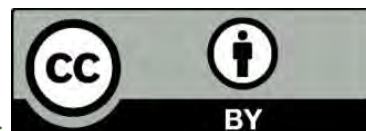
- *این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «پویا پروین» با عنوان «طراحی مرکز فرهنگی ایرانیان در عمان با رویکرد منظر بین‌فرهنگی» است که به راهنمایی دکتر «رضا سامه» و دکتر «مهدی زندیه» و مشاوره دکتر «نعیمه بنکاری» در سال ۱۳۹۸ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به انجام رسیده است.
۱. Toffler
 ۲. Multi-Culturalism
 ۳. Glocalization
 ۴. Sami
 ۵. Magan
۶. Mazon
 ۷. Rebdan
 ۸. Zofar
 ۹. Majan
 ۱۰. Michael Morony
 ۱۱. Wilkinson
 ۱۲. Batinah
 ۱۳. Al-Bakri
 ۱۴. Birkat Al Mouz
 ۱۵. Bahla

فهرست منابع

- Emmott, P. & Keys, C. (2015). Redefining architecture to accommodate cultural difference: Designing for cultural sustainability. *Architectural Science Review*, 58(4), 278–289.
- Park, R., Burgess, E. & McKenzie, R. (1922). *The City*. Chicago: University of Chicago Press.
- Payne, R. (2015). *A State of Mixture: Christians, Zoroastrians, and Iranian Political Culture in Late Antiquity*. Oakland: University of California Press.
- Potts, D. T. (1990). Editorial. *Arabian Archaeology and Epigraphy*, 1(1), 1–3.
- Rainer, R. (1977). *Anonymes Bauen in Iran*. Graz: Akademische Druck-und Verlagsanstalt.
- Robertson, R. (1994). Globalisation or glocalisation? *Journal of International Communication*, 1(1), 33–52.
- Simmel, G. (1955). *Conflict and the Web of Group Affiliations*. Glencoe: The Free Press.
- Weber, M., (1962). *The City*. New York: Colliers Books.
- Wilkinson, J. C. (1972). *The Origins of Omani State, In the Arabian Peninsula Society and Politics, CED, Derek Hopwood*. London: Allen & Unwin.
- Wirth, L. (1938). Urbanism as a way of life. *American Journal of Sociology*, 44, 1–24.
- عشرتی، پرستو و حناچی، پیروز. (۱۳۹۴). تعریفی نوین از مفهوم منظر فرهنگی مبتنی بر فرآیند شکل‌گیری آن. *نقش جهان*، ۵(۳)، ۴۲–۵۱.
- Al-Salimi, A., Gaube, H. & Korn, L. (2013). *Islamic Art in Oman*. Oman: Ministry of Heritage & Culture and Ministry of Endowments & Religious Affairs.
- Bourdieu, P. (1998). *Teoria obiektów kulturowych*. In: R. Nycz (ed.), *Odkrywanie modernizmu*. Kraków: Universitas, pp. 259–281.
- Baronet, R., Muller, R. (1974). *The Power of Multinational Corporations*. New York: Simon & Schuster.
- Bonenberg, A. (2011). *Beauty of the City—Urban Empathy. Case Study: Catania in Sicily*. FA Poznan: FA Poznan University of Technology.
- Britannica, T. (Editors of Encyclopaedia) (2023, Jan. 16). *Sasanian dynasty*. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved October 14, 2022 from: <https://www.britannica.com/topic/Sasanian-dynasty>.
- Buerkert, A. & Schlecht, E. (2010). *Oasis of Oman; Livelihood Systems at the Crossroads*. Muscat: Al Roya Press & Publishing House.
- Castells, M. (1977). *The Urban Question*. Cambridge, London: MIT Press.
- Durkheim, E. (1964). *The Division of Labor in Society*. New York: Macmillan Free Press.
- Harvey, D. (1973). *Social Justice and the City*. London: Edward Arnold.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

پروین، پویا؛ سامه، رضا و زندیه، مهدی. (۱۴۰۲). ساختار و مبانی شکل‌گیری «منظر بین‌فرهنگی» در بستر ایران و عمان. *منظر*، ۱۵(۶۲)، ۲۸–۳۵.



DOI: 10.22034/MANZAR.2022.342497.2193

URL : http://www.manzar-sj.com/article_162704.html